

اخلاق و خویشکاری خویشاوندی خویشاوندان (شاه، پهلوان) شاهنامه فردوسی

سعدالله رحیمی^۱، کبری رحیمی^۲

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، کرمان (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری مطالعات زنان، علوم و تحقیقات، تهران

چکیده

خویشکاری و خویشاوندی فرمانروا یا پهلوان در ایران دیرین سازنده روحیه سازندگی و نیز، سلحشوری مردمان ایران بوده است. شکل گیری اسطوره های نوین در روند جامعه انسانی به عناصری نیاز دارد که بتوانند هماهنگ با طرح کلی داستان و باور های فرهنگی، روابط گسترده تری را در طرح ها به نمایش بگذارند. عناصر اسطوره باید با سازه های متناسب شکل بگیرند. اساسی ترین باور فرهنگی جامعه اسطوره پرداز بیان ذهنی مساله خیر و شر در روابط انسانی و کنش های اجتماعی است. عناصر طبیعی و ذهنی از عناصر آغازین شکل گیری اسطوره بوده اند. اخلاق و خویشکاری شاه یا پهلوان از عناصری که در تفکر سیاسی و نیز، اخلاق آنان بوده، در شرح حال خویشکاری حاکمان با خویشاوندی پیوند داشته است. زیرا، سیاست را بسان اخلاق نوعی فضیلت می دانسته اند که برای حفظ استقلال سرزمین و پایداری انسان در برابر رفع مشکلات مهم و بهترین چتر محافظتی در تشخیص نیک و بد است. خویشکاری در خویشاوندی از اساطیر به حماسه و از آنجا به متن داستان های دگرسان راه پیدا کرده است. شاه و فرمانروایان با خون و خویشاوندی ارث سلطنت به یاد گذاشته اند. پهلوانان با نام و ناموری خویشکاری خویشاوندی را با نام مروت و مردانگی رواج داده اند. پهلوانان همیشه در برپایی داد و دادگری به حاکمان کمک کرده اند. در نتیجه برای بقا و ماندگاری منش انسانی و پایداری سیاست توأم با اخلاق نیک، همیشه مردمان ایران خویشاوند خوبی ها بوده اند.

واژه های کلیدی: خویشاوندی، خویشکاری، فرمانروا، پهلوان، شاهنامه